

لاف است یا حقیقت؟

محمدحسین شیخ شعاعی



ادعای پیروی حق و رجزخوانی برای رویارویی با باطل برای مردم بسیاری در طول تاریخ اتفاق افتاده است. خیلی‌ها پوده‌اند که خود را آماده قرار گرفتن در صف مجاهدان راه خدا نشان می‌دادند و چه بسا وعده‌ها و قول و قرارها که با رهبران مصلح خود به میان می‌کشیدند. قرآن در آیه ۲۴۶ سوره بقره از مردمی سخن می‌گوید که چنین بودند و جوری رفتار می‌کردند که انگار لنگ انتخاب یک فرمانده‌اند و کاملاً مہیای یک نبرد سنگین با ظالمان. پیامبر به آنها هشدار می‌داد که لاف بی‌خود ننیزد اما آنها اصرار می‌کردند و اتفاقاً دلایلی هم بر این عزم جزم خود می‌آوردند. این‌ها بعد از آن که فرمان جنگیدن از سوی خدا صادر می‌شود ۱۸۰ درجه تغییر می‌کنند و هر کدام سر کار خودشان را می‌گیرند و بی‌خیال می‌شوند، به جز عده کمی که می‌شود حدس زد از همه کمتر هارت و هورت می‌کرده‌اند!

شعار دادن و اعلام آمادگی خوب است اما راه خدا مدعی نمی‌خواهد، مرد از جان گذشته می‌خواهد که تا یکی از دو خوبی؛ شهادت یا پیروزی را به چنگ نیاورده از پا ننشیند. جای این سؤال باقی است که چه روحیه‌ای پیروان پیامبران گذشته را از مبارزه و پیشروی در قلب دشمن باز داشت و زمین‌گیرشان کرد؟

اصلاح فرهنگی، اساس هدایت

فرهنگ ناب خداپسند با آنچه معمولاً در جوامع انسانی رواج داشته است فاصله‌ای حس شدنی دارد و اصلاً پیامبران و مصلحان دینی آمده‌اند و می‌آیند که این فاصله را به حداقل برسانند. هر کدام از این فرهنگ‌ها یعنی فرهنگ سالم متعالی و فرهنگ درب و داغون بشر سرگردان، ویژگی‌ها و نشانه‌هایی دارند که مرز بین این دو را روشن می‌کنند. قرآن کریم در جای جای خود خصوصاً آن‌جا که از قول مردم گذشته چیزی می‌گوید به این تفاوت‌ها اشاره کرده است.

مردم در فرهنگ ناسالم مغشوش به‌گونه‌ای فکر می‌کنند و چیزهایی را پذیرفته‌اند و مسائلی را ارزشمند می‌دانند در حالی که در فرهنگ الهی نشانی از آن تفکر و پذیرش و ارزش وجود ندارد. در بسیاری از موارد، ورود هدایت به قلب مردم و حضور ایمان در صحنه‌های زندگی انسان‌ها نیازمند تغییر در فرهنگ پذیرفته شده و اصلاح نگرش‌های غلطی است که اساس قضاوت‌ها، نتیجه‌گیری‌ها و تصمیم‌گیری آنها قرار گرفته است.

نمونه این خرابی‌های فرهنگی که در عمق ذهن افراد رخنه کرده در آیه ۲۴۷ و قبل از آن در آیه ۱۳ سوره مبارکه بقره نمایان است. ببینید....

قوانین علمی فوق بشری!

این درست است که باید تدابیر و تصمیم‌های خود را در عرصه‌های مختلف زندگی بر یافته‌های دقیق علمی بنا کنیم اما آیا حق داریم دایره این علم را محدود به روابط مادی پدیده‌ها و تجربیات محسوس (به حواس پنج‌گانه) کنیم؟ شاید کسانی چنین عقیده‌ای داشته باشند اما چه بخواهیم و قبول کنیم و چه نخواهیم و نپذیریم به هر حال خداوند در برنامه‌ریزی عالم سنت‌های محکمی را قرار داده است که بسیاری از جریان‌ها و رخدادهای تاریخ زندگی بشر بر اساس آن شکل گرفته است. حقیقت این است که این سنت‌ها و قوانین فوق بشری پا به پای دو دوتا چهارتای ریاضی سایه خود را بر همه اجزا تا ریزترین جزء برنامه‌های ما گسترده‌اند. اگر راه قابل اطمینانی برای سعادت خود می‌جوییم چاره‌ای نداریم جز این که سنت‌های الهی را که قرآن به بسیاری از آنها اشاره کرده و از قضا تجربه طولانی بشر هم تأییدشان می‌کند، در ردیف پایه‌های اساسی نتیجه‌گیری و رفتارمان قرار دهیم چه یک موضوع کوچک شخصی و چه بزرگ‌ترین تصمیم‌های سیاسی بین‌المللی! یکی از این قوانین را در آیه ۲۴۹ سوره بقره مشاهده کنید!

ایمان اگر با طاغوت در نیفتد پاره‌شدنی است

رسمان‌ها معمولاً از دو یا چند رشته به‌هم تاییه درست شده‌اند. رسمان محکم و پاره نشدنی‌ای که قرآن برای بیرون آمدن از چاه بدبختی و گنج و گولی و راه‌یابی به آرامش و سعادت و سبزه بختی پیشنهاد می‌کند مانند همه رسمان‌ها تک‌رشته‌ای نیست! دو رشته‌ای که درهم پیچیده‌اند تا با هم عروه‌الوثقی را تشکیل بدهند، یکی ایمان به خداست و دیگری رویارویی طاغوت. یعنی نه گفتن به سیطره قدرت غیرالهی. البته در زبان قرآن، این مسأله قبل از ایمان به خدا ذکر شده است و شاید سرش این باشد که تا دنیای غیر خدا را نکشی و بی‌خیال فریب‌های توخالی‌اش نشوی، نور ایمان قلبت را روشن نمی‌کند. به هر حال، این کفر و ایمان به طاغوت با هم است که معنا می‌دهند. شاید درباره برخی آیین‌های ساختگی شنیده باشید که با سر و صدای زیاد دم از صلح جهانی و عدم دشمنی بلکه هماهنگی و هم‌صدایی با همه (همه همه) می‌زنند و دین خود را جزئی از اسلام و منطبق بر آموزه‌های قرآن می‌شمارند همین آیه «رسمان محکم الهی»؛ آیه ۲۵۶ سوره مبارکه بقره رد روشنی است بر ادعای ایمانی که نمی‌تواند و نمی‌خواهد با طاغوت‌ها در نیفتد!